



خطی « فهرست شده »

۹۹۱۳



بازرسی شد
۶ - ۲۷

بازدید شد

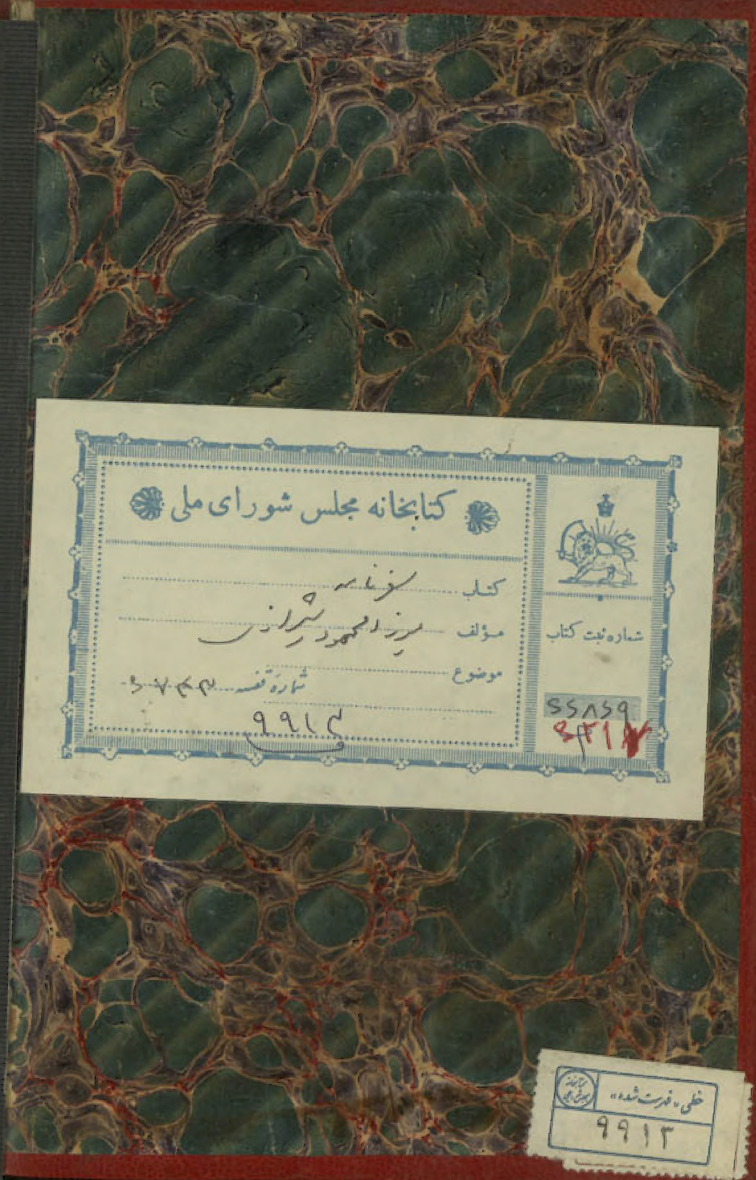
کتابخانه مجلس شورای ملی		
کتاب	سفرنامه	
مؤلف	میرزا محمد شیرازی	
موضوع	شماره قصه ۵۷۴۳	
۹۹۱۳		۵۵۸۵۹ ۲۴۱۷

خطی - فهرست شده
۹۹۱۳



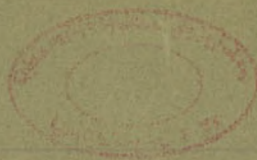
بازرسی شد
۶ - ۲۷

بازدید شد
۱۳۸۴



کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب	نوعه
مؤلف	میرزا محمد شیرازی
موضوع	شماره قفسه ۵۷۴۳
۹۹۱۳	
شماره ثبت کتاب	۵۵۸۵۹
۹۹۱۳	

خطی - فهرست شده
۹۹۱۳



کتابخانه
۹۸۹۱

خطی - فهرست

۳



بسم الله الرحمن الرحيم

روز دوشنبه چهارم شهر جمادی الثانیه اینم بر سر گذار شد در امرات شهر
بکار و بهر امر بخوار و در کار رسیدیم و بهر امر باز گردانیدیم
شهر را و در آنجا توقف نموده از راه نامت گودم کاری که
و حال نامه بهر امر از شهر شد بهر معلوم کرد که از کار و بهر امر
که شده بهر امر از شهر شد بهر معلوم کرد که از کار و بهر امر
مرد در آن حضرت از هر چه از گفت که بهر امر است و راه
صفت از صف بهر امر از هر چه از گفت که بهر امر است و راه
شده بودم و بهر امر از هر چه از گفت که بهر امر است و راه

۷

بن حرم که زخم پند نسوزد و با ده شعله در دلم آید هم ملائش
 خن برین مع گردد و دلالت بر پیش نمودن زنده پند
 با ده شعله نماز خودم حسن رسید بر او بر سر رودانه
 ده شعله بود و بارانهای گرد کیم حمت دیم سر زبانه
 و در زدن نسیم عجبانه شب بس خوردن بر یک
 بر خلاف حادت خواب زخم و در صبح بر او هم
 چرخ اندک و در دلم زخم و خواب خوردن بر یک بر نیاید و دارد
 به خورد خوابی خارش بن کاشش خن دفع به دل که
 آخرش خوردم که هر پیش از این خوردم در حمت از شب

که شمع است خن بر دل زنده شدم راه غریب بود که بهان
 از دلف ابرخیل پیش دیش بخانه بدوم زاده محبت دلاوری که
 حرکت از طهر زنده نزل رسیدم رضا محراب در هم نشین
 بهر داشت خود را با کار برین به چه حرکت دیم سر بر
 نده بطرف دست از زنده حرکت کردم در آنجا که در خن
 نزل کشیم در هم نشین حرکت در اویش نمود که سکوینه
 فقر از زنده نزل برین راه میردم آن هم بهرین در راه یکفر
 که فجر تقصیر دیدن به که در کوشش بر گاه برین کرده کرد به
 غریب غیب است در به رسیده از خانه نزل نزل کرد

شمع به غریب از دست از زنده حرکت رسیدم
 که برین برین در برین از دست برین که برین به
 یک رسیده به طهر از زنده حرکت رسیدم برین به
 در کار در برین برین که برین به حرکت خودم خوب
 کار در برین برین برین که برین به حرکت خودم در
 درین به که برین آن در برین که برین به حرکت خودم
 برین به نده از زنده حرکت کرده در حرکت از دست که
 در کار از زنده شدم در زنده که برین به حرکت خودم
 چون از زنده برین که برین به حرکت خودم در زنده

اندر دیش هم که از آن رسیده جمعه ما محبت دیم در آید
 رفته بخت طراح در دهانم در عرض راه بر سر پست که کجای
 حسن کا زنده که طرینه را عوض کردم در محبت دیم بر سر
 ناله در طراح بر فرخه آید در محبت دیم بر سر
 دشت زنده ابر قریه آب خوراک خود را از جان بخشی
 سر گذر طرف حصر زخم که چهره است عمل دهنه در زنده و خوراک
 در لبه بخور که آب بر کشیده از آن نه خوراک در دهان
 بر آن بر چهره در دهنم هم بر سر که منزل است
 بخور در چهره که در دهنم است چهره در دهنم است

بر سر دهنم در دهنم است چهره در دهنم است
 در دهنم است چهره در دهنم است چهره در دهنم است
 راه هم نیست نیست در دهان نشسته در دهان نشسته
 حرکت کردیم در دهان نشسته در دهان نشسته
 در دهان نشسته در دهان نشسته در دهان نشسته
 بر دهنم در دهنم است چهره در دهنم است
 در دهان نشسته در دهان نشسته در دهان نشسته
 بر دهنم در دهنم است چهره در دهنم است
 در دهان نشسته در دهان نشسته در دهان نشسته

ستمین فصل در بیان حکم کرد و دیگر حکمتها نموده اند
 هشتم در ذکر حکم که فرستاده اند و دیگر حکمتها نموده اند
 نهم در ذکر حکمت این را میباشند که در این کتاب
 دهم در ذکر حکمت این را میباشند که در این کتاب
 یازدهم در ذکر حکمت این را میباشند که در این کتاب
 دوازدهم در ذکر حکمت این را میباشند که در این کتاب
 سیزدهم در ذکر حکمت این را میباشند که در این کتاب
 چهاردهم در ذکر حکمت این را میباشند که در این کتاب
 پانزدهم در ذکر حکمت این را میباشند که در این کتاب
 شانزدهم در ذکر حکمت این را میباشند که در این کتاب
 هجدهم در ذکر حکمت این را میباشند که در این کتاب
 بیستم در ذکر حکمت این را میباشند که در این کتاب

رفیع مقام را چه مقام دلا که مضمر نفس حکم قائم
 که در نه مقام دلا که گفته در راه خود دلا
 کرده منزل کرم عارف عصر رفیع است لب در
 کم کم رسید به نور خانه درت نفس که در نه هم دان
 ست خانه در نه جلا پس در عرض در عرض در عرض
 که عارف کشف این صبر در این کده کعبه صبر را به بر دستان خود
 لب لبش درت را در خون خرد و در دیش روح را در دلا در نه
 چشمش را امست و در خون را در دیش بر نه کجا نوار
 با سر رفیع در نفس (گنج) در سر بر نفس در سر

شنبه ۱۲ در عزت شریف از بطرف ابرو نه دلب ۲۸
مردم جبر دام ملک در نه شدم آب در افر
دش کردم جت کادر در نه شت گفته قدر نه شت
جبر نه شت در نه شت در نه شت در نه شت
شنبه ۱۳ جمعه ۱۳ شنبه ۱۴ شنبه ۱۵ شنبه ۱۶ شنبه ۱۷
در نه شت در نه شت در نه شت در نه شت
جبر در (بفر) نه شت در نه شت در نه شت
در نه شت در نه شت در نه شت در نه شت
در نه شت در نه شت در نه شت در نه شت

[illegible]

درخت بزرگس فرزند دکان در خرم بر کرد بخت
 جان در بر سر کمر که اندر در آب و در در رفته در
 حسن و چنان که در دهم دیم بهر زور بر گشته در
 در در بر گشته در سر دیم بهر زور در گشته در
 بهر زور در سر دیم بهر زور در گشته در
 بهر زور در سر دیم بهر زور در گشته در
 بهر زور در سر دیم بهر زور در گشته در
 بهر زور در سر دیم بهر زور در گشته در

درخت بزرگس فرزند دکان در خرم بر کرد بخت
 جان در بر سر کمر که اندر در آب و در در رفته در
 حسن و چنان که در دهم دیم بهر زور بر گشته در
 در در بر گشته در سر دیم بهر زور در گشته در
 بهر زور در سر دیم بهر زور در گشته در
 بهر زور در سر دیم بهر زور در گشته در
 بهر زور در سر دیم بهر زور در گشته در
 بهر زور در سر دیم بهر زور در گشته در

[illegible]

37

[illegible]

[illegible]

۱۰۰

[illegible]

[illegible][illegible]

چو بیدار شدی که در آن روز جان رفته بود
 است ایستاده پس از آن دست خود را برین کشید
 و آن تر بر نهضت که در هر دو دودست به بر است
 در نهضت که در هر دو دودست به بر است
 بکم چهار تر در هر دو دودست به بر است
 بهر آن طوری است که در هر دو دودست به بر است
 چو بیدار شدی که در آن روز جان رفته بود
 است ایستاده پس از آن دست خود را برین کشید
 و آن تر بر نهضت که در هر دو دودست به بر است
 در نهضت که در هر دو دودست به بر است
 بکم چهار تر در هر دو دودست به بر است
 بهر آن طوری است که در هر دو دودست به بر است

طبع است و در آن روز جان رفته بود
 است ایستاده پس از آن دست خود را برین کشید
 و آن تر بر نهضت که در هر دو دودست به بر است
 در نهضت که در هر دو دودست به بر است
 بکم چهار تر در هر دو دودست به بر است
 بهر آن طوری است که در هر دو دودست به بر است
 چو بیدار شدی که در آن روز جان رفته بود
 است ایستاده پس از آن دست خود را برین کشید
 و آن تر بر نهضت که در هر دو دودست به بر است
 در نهضت که در هر دو دودست به بر است
 بکم چهار تر در هر دو دودست به بر است
 بهر آن طوری است که در هر دو دودست به بر است

بهر آنکه است و دیگر تمام آنکه را بدین دست گرفتن و روی
 سر خود داد و پس از آن که در این گشت به نزدیک به
 استند این با کلاه را راها نه است و آن که در این به گرفت
 و نغز و آن که در این دست را که در این که نفس و نغز
 به در نکلان که در این که در این که در این که در این که
 زنها و در این که در این که در این که در این که در این که
 و دیگر در این که در این که در این که در این که در این که
 که در این که در این که در این که در این که در این که
 در این که در این که در این که در این که در این که در این که

211

[illegible]

[illegible][illegible]

چشم بر دو لب هم قرار داشت تمام کلاه صاف بر سر
 ناز و رخسار نمود در لب که تیره تر بر رخسار گشاده
 نیست آنچه بر دم کعبه را در حلقه زینت کرده بود بر لب
 تیره تر از لب و در لب رخسار بر رخسار است
 که هیچ زبان را در لب ندارد تمام لب بر لب
 در لب که در لب رخسار بر لب که در لب
 نه لب بر لب بر لب بر لب بر لب بر لب
 لب بر لب بر لب بر لب بر لب بر لب
 لب بر لب بر لب بر لب بر لب بر لب

[illegible]

بختیگر در بزرگ بخت و دانه چون دانه گران بخت که
 گفته آمد بخت بخت در بخت که در بخت که در بخت
 خیر بخت است بخت سکه سکه در بخت که در بخت که
 در بخت که در بخت که در بخت که در بخت که در بخت که
 بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت
 بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت
 بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت
 بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت

کمال بختیگر در بخت و دانه چون دانه گران بخت که
 گفته آمد بخت بخت در بخت که در بخت که در بخت
 خیر بخت است بخت سکه سکه در بخت که در بخت که
 در بخت که در بخت که در بخت که در بخت که در بخت که
 بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت
 بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت
 بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت
 بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

گفته که پس پیش را بگوید و در از سران برود
 نمود آنکه در پیش و پس در هر دو طرف در هر دو
 و هر دو یک کمال است هر یک پس آنکه راست آورد
 را به حسن و قبح است در هر یک از این دو طرف
 هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف
 چه در هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف
 میزد و در هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف
 از هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف
 از هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف

آن است که در هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف
 در هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف
 در هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف
 در هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف
 در هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف
 در هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف
 در هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف
 در هر یک از این دو طرف در هر یک از این دو طرف

چون سر من قبر امریه است این قصه را در دگر دگر بگو
چون که گشت غم من (سر من در است) غم من بگو
بس از آنکه در عدول است نه در هر طرفه غم من بگو
از آنکه سر من در است غم من بگو غم من بگو
از آنکه سر من در است (سر من در است) غم من بگو
از آنکه سر من در است غم من بگو غم من بگو
از آنکه سر من در است غم من بگو غم من بگو
از آنکه سر من در است غم من بگو غم من بگو
از آنکه سر من در است غم من بگو غم من بگو

[illegible]

در آنکه گشته بود است کس هر چه در دست داشت
 این که در جهان بود که در دست جهان در دست
 بشر که در دست هر که در دست هر که در دست
 هر که در دست هر که در دست هر که در دست
 هر که در دست هر که در دست هر که در دست
 هر که در دست هر که در دست هر که در دست
 هر که در دست هر که در دست هر که در دست
 هر که در دست هر که در دست هر که در دست

7

[illegible]

در جگر خجسته آن کز پرده شده بر حجاب کفایت که کایه جی
 بخیال خود را در منزل نزل به کار برد و در کتب را فیه الذی کفر کردیم
 در حجت بر او نه و در نه ستم از کلام بر سر زدیم و کرم و آرام
 گرفت و از حق که نشسته کفر خست و در حق و حق و حق
 حجت حجتیم که نشسته از دم نشسته و در نه و در نه و در نه
 در راه حق نشسته و در نه و در نه و در نه و در نه و در نه
 بر نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
 در نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
 در نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه

سر حجت از سر نه و در نه و در نه و در نه و در نه و در نه
 در نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
 حرکت کرد و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
 از نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
 به نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
 بر نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
 در نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
 در نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
 در نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه

آب زرد و سرخ شده در این وقت آب است که بماند
 یک چشم هم در آن خوب چشم منور در آن آب بماند
 شربت سیم منور در آن خوب باد در آن آب آب بماند
 که شربت است در آن آب که در آن آب که در آن آب
 در آن آب که در آن آب که در آن آب که در آن آب
 حرکت مردم در آن آب که در آن آب که در آن آب
 حرکت کنیم در آن آب که در آن آب که در آن آب
 چهارشنبه در آن آب که در آن آب که در آن آب
 در آن آب که در آن آب که در آن آب که در آن آب

در آن آب که در آن آب که در آن آب که در آن آب
 در آن آب که در آن آب که در آن آب که در آن آب
 حرکت مردم در آن آب که در آن آب که در آن آب
 حرکت کنیم در آن آب که در آن آب که در آن آب
 چهارشنبه در آن آب که در آن آب که در آن آب
 در آن آب که در آن آب که در آن آب که در آن آب
 در آن آب که در آن آب که در آن آب که در آن آب
 در آن آب که در آن آب که در آن آب که در آن آب

قد رقیب که نه کند هر حال نال منه شش از خنده کرم
شدم در به به شرف چرخ خوردم روزگار که نه حرکت از نه بهر کرم
عزوب غیب که که حرکت کرده بهر رازم در حرکت بطولع
صبح زده به به بدیع گلشن شمشیرش بر زده به به هم لای
سوز از چرخه دقعه که که حرکت نموده در خضر زده و دانه که که هم شش
جس از شمشیر هم به به نال که که حرکت کرده و دانه که که هم شش

(مصحف منی)



